روزنامه شرق

چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۵
۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۲ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۴
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

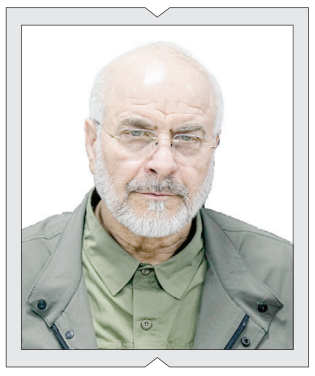

قالیباف:
ضربه‌زننده نهایی ما هستیم
۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ایسلند به دنبال شرکای امنیتی جدید • از تله فضایی فقر تا تله‌ای‌شدن فضا/ محمدکریم آسایش • شوکه‌شدن رسانه‌های روسی از ستاره ایرانی

سه کارشناس آب از پایان مسیر انتقال آب و لزوم بازنگری در بارگذاری جمعیتی پایتخت گفتند

تهران به سقف ظرفیت آبی رسید

گزارش تیتریک را در صفحه ۷ بخوانید

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

سرمقاله

زیستن در دایره مجهولات

کامبیز نوروزی
حقوق‌دان

۱. زندگی وابسته به امروز نیست. امروز وضعیتی است که آن را می‌بینیم، می‌شناسیم، می‌فهمیم و می‌دانیم با آن چه کنیم. زندگی ما وابسته به فرداست. اگر بتوانیم فردایی را که هنوز نیامده بشناسیم و بفهمیم و بدانیم با آن چه خواهیم کرد، می‌توانیم در آرامش از یک زندگی طبیعی بهره‌مند شویم و پیش برویم. هر اندازه فردا مجهول باشد نتوان چیزی از آن را دید، دلهره و اضطراب بر جان‌ها سیطره می‌یابد. در عالم ترس و نگرانی و نومیدی، رفتار آدم‌ها هم عوض می‌شود. یکی گوشه‌نشین می‌شود؛ یکی به هر کار مشروع و نامشروع دست می‌زند تا شاید از تاریکی فردا به سلامت بگذرد؛ دیگری خود را به موج می‌سپارد که «چو فردا شود فکر فردا کنیم»؛ برخی را اندوه و برخی را خشم فرا می‌گیرد و بر همه چیز شورش می‌کنند و...؛ اعتمادها از بین می‌روند؛ هر کسی زور بیشتری دارد، میدان بی‌دفاع بیشتری برای به‌کارگیری زور علیه دیگران پیدا می‌کند و کسی هم جلودارش نخواهد بود. از یک سو بسیاری سرگردان اینکه «به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را» و برخی که زر در جیب و زور در بازو دارند «عربده این که مبین آن که مپرس».

فردای مجهول و ناپیدا، زندگی را گرفتار تعلیق می‌کند و عمر و روان و جان و مال را باد می‌برد و تلف می‌کند.

۲. قدرت پیش‌بینی فردا و هر آینده‌ای نظم است. هر قدر نظم مستحکم‌تر و عقلانی‌تر باشد، آینده درازتری را می‌توان پیش‌بینی کرد و دانست که فردا و فرداها چه خواهد شد. آدم‌ها نیز می‌توانند نقش و موقعیت خود را پیش‌بینی کنند، برنامه‌ریزی کنند، از خود و روان و جان و مال خود به‌سادگی مراقبت کنند و با آرامش پا به آینده بگذارند.

هرقدر که نظم کمتر و ضعیف‌تر باشد، توان دیدن آینده کمتر می‌شود. نمی‌شود فهمید که فردا چه خواهد شد. مثل این است که شما برای سفری چهارساعته ۱۰، ۱۵ ساعت در بلبشوی راه‌بندان می‌مانید. بنزین مصرف شده، خوراک‌هایی که با خود داشته‌اید تمام شده، خواب‌آلوده و خسته‌اید. شاید ماشینتان جوش بیاورد و... این محصول مصیبت بی‌نظمی است.

۳. حقوق و اخلاق دو منبع تولید و تثبیت نظم‌اند. حقوق محدوده اختیار و تکلیف همه را معلوم می‌کند. قدرت را مهار می‌کند، مسیر را نشان می‌دهد، امکان تخلف از مسیر را اگر هم از بین نبرد، کاهش می‌دهد، چارچوب‌های ارتباطی بین اشخاص را معلوم می‌کند، اگر کسی به حق دیگری تجاوز کرد سزایش را کف دستش می‌گذارد، جامعه را منتظم می‌کند و امکان پیش‌بینی فردا را فراهم می‌کند.

در این میان ساختار حکومتی به عنوان قدرتمندترین، ثروتمندترین و بزرگ‌ترین شخصیت، بیش از همه مکلف است به اقدام براساس قانون و قواعد و اصول حقوقی برای استقرار نظم.

۳. در ایران سال‌هاست که نظم حقوقی به‌شدت تضعیف شده است. فارغ از اینکه در تدوین و تصویب خیلی از قوانین خطاهای فراوانی وجود دارد، در اجرا نیز قانون و اصول حقوقی اهمیت خود را از دست داده‌اند. حقوق اساسی ملت از اهمیت افتاده‌اند، حدود وظایف و اختیارات نهادهای حکمرانی در هم ریخته است، واقعیت‌ها در قانون‌نویسی جای خود را به رؤیاها می‌دهند، صاحبان مناصب تقریبا از هر مؤاخذه‌ای مصون‌اند. وقتی منبع اصلی نظم دچار گسیختگی شود، قهرا نظم محقق نمی‌شود. بی‌نظمی حاکم می‌شود و فردا به مجهولی بزرگ بدل می‌شود که حتی ساده‌ترین بخش‌های زندگی نیز به علامت سؤال‌های بزرگی بدل می‌شوند. مثلا فرداروزی قیمت خوراک و مسکن و بنزین، دوا و درمان چند خواهد بود؟ آیا درآمد امروز تکاپوی هزینه فردا را می‌دهد؟ آیا مدرسه‌ها حضوری خواهند بود یا آنلاین، آیا دانشگاه‌ها باز خواهند بود یا نه؟ آیا آب و برق و گاز خواهیم داشت؟ آیا کاری را که امروز داریم، فردا هم خواهیم داشت؟ آیا دشمن متجاوز باز هم به تجاوز نظامی روی خواهد آورد و مرگ و ویرانی می‌سازد؟ کسی پاسخ این پرسش‌ها را نمی‌داند. بدون نظم حقوقی در دایره مجهولات سرگشته و سرگردانیم و بیمناک از اضمحلالی ناگزیر نفس‌نفس می‌زنیم. فقط آنها که در چرخه فساد در جیب زر و در بازو زور دارند، از گل این آلودگی، ماهی‌های چاق توانند صید کرد. آنها که دل به ایران و ایمان و مردمان داده‌اند، به هر بهایی که هست این تعلیق را چاره کنند و به اعاده نظم در کشور همت کنند.

ما نیز چاره‌ای نداریم جز امید و اینکه در چشمان هم نجیبانه بنگریم و بخوانیم «چشم‌هایت با من گفتند/ فردا روز دیگری است».

برگزیده‌ها

گزارش میدانی «شرق» از افزایش تعداد زنان در پاتوق‌های مصرف مواد مخدر و بالارفتن شمار زنان میانسال کارتن‌خواب

زنان میانسال تازه‌واردان «ته‌خط»

۵

جلسه کمیسیون ماده ۵ جنگی به دو روایت

تراکم به نام بازسازی

۷

جنگ فرسایشی با روسیه، نفس کی‌یف را گرفت؟

اقتصاد اوکراین در بحران

۴

صدوهفتمین رویارویی استقلال و پرسپولیس در حالی انجام می‌شود که پایتخت ورزشگاه ندارد

دربی تهران در اصفهان!

۶

نسخه بنزینی دولت در گفت‌وگو با سیدحمید حسینی، عضو اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی

اصلاح بنزین؛ از جیب مردم یا به نفع مردم؟

۳

نگاه

روزنامه‌نگاری ایران در مرز هشدار

یادداشتی از قادر باستانی‌تبریزی

۸

یادداشت

خانواده در میانه جنگ

ارتباطات چگونه به تاب‌آوری خانواده کمک می‌کند؟

منصور ساعی
پژوهشگر ارتباطات خانواده

وقتی از جنگ حرف می‌زنیم، معمولا اولین چیزهایی که به ذهن می‌رسد، حمله، ناامنی، خسارت و تهدیدهای جانی و اقتصادی است. اما جنگ یک وجه کمتر دیده‌شده هم دارد: جنگ وارد خانه‌ها می‌شود؛ نه لزوما با تخریب فیزیکی، بلکه از راه اضطراب، خبر، شایعه، نگرانی درباره آینده، فشار اقتصادی و ترسی که میان اعضای خانواده دست‌به‌دست می‌شود. به همین دلیل، برای فهم تاب‌آوری خانواده در شرایط جنگی باید از یک پرسش ساده شروع کرد: اعضای خانواده در روزهای ناامن چگونه با یکدیگر حرف می‌زنند؟ این پرسش شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما بخش مهمی از توان خانواده برای عبور از بحران به پاسخ همین پرسش بستگی دارد. خانواده فقط مجموعه‌ای از چند فرد نیست که زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ خانواده شبکه‌ای از روابط است. حال خوب و بد اعضای آن به یکدیگر سرایت می‌کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مدیریت ارز در بحران؛ مُسکن یا درمان؟

محمدرضا یوسفی‌شیخ‌رباط
اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

نرخ ارز تحت تأثیر حوادث جنگ و اخبار مرتبط با آن، روند صعودی به خود گرفته و این موضوع اثرات منفی آشکاری بر معیشت مردم گذاشته است. در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان نرخ ارز را به گونه‌ای مدیریت کرد که کمترین آسیب را به زندگی مردم وارد آورد و در عین حال، خودِ این مدیریت نیز پیامدهای منفی به دنبال نداشته باشد؟ با توقف عملی صادرات نفت و قطع مسیرهای مالی، عرضه ارز به شدت کاهش یافته و نرخ ارز در بازار آزاد حتی از مرز ۲۱۰ هزار تومان نیز عبور کرده است. کاهش ارزش ریال، هزینه واردات تمام کالاها را از مواد اولیه تولیدی تا دارو و اقلام اساسی غذایی به شدت افزایش داده و این امر مستقیم به تورم دامن زده و فشار فزاینده‌ای بر سفره خانوارها وارد کرده است. این روند هم‌اکنون با تورم نزدیک به سه‌رقمی و رشد اقتصادی منفی همراه شده و نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ ارز در شرایط فعلی، اقتصاد را به سمت رکود تورمی شدیدی سوق داده است. افزون بر این، نوسانات شدید ارزی اعتماد سرمایه‌گذاران را از بین برده، به خروج سرمایه و تعطیلی کسب‌وکارها دامن زده است؛ چراکه برنامه‌ریزی برای تولید در بازاری با چنین بی‌ثباتی‌ای عملا غیرممکن شده است. در شرایط کنونی که ایران با کسری شدید درآمد ارزی و تشدید تحریم‌های چندجانبه مواجه است، آزادسازی کامل نرخ ارز در عمل نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه با تشدید هیجانات سفته‌بازانه، قدرت خرید دهک‌های کم‌درآمد را بیش از پیش کاهش می‌دهد. ریشه‌های اصلی این بحران، وابستگی ساختاری به درآمد نفتی، عدم تنوع منابع ارزی و ضعف در سازوکارهای تأمین ارز از مسیرهای غیرنفتی است. اکنون که صادرات نفت به‌دلیل جنگ و تحریم عملا متوقف شده و شرکای کلیدی منطقه‌ای نظیر امارات متحده عربی نیز نقل‌وانتقالات مالی را به حداقل ممکن کاهش داده‌اند، آزادسازی بدون پشتوانه کافی، عملا به معنای واگذاری بازار به نیروهای سفته‌باز و کارتل‌های غیررسمی ارز است که نتیجه آن چیزی جز سقوط شتابان پول ملی، تشدید شکاف طبقاتی و افزایش آسیب‌پذیری اقشار متوسط و پایین جامعه نخواهد بود. بررسی تجربه ایران به‌ویژه جهش‌های ارزی سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که در غیاب درآمد ارزی پایدار و تشدید تحریم‌ها، به سقوط تاریخی پول ملی، تورم افسارگسیخته و رکود عمیق انجامیده است. از سوی دیگر، تجربه سال ۱۳۷۴ که با تثبیت نرخ ارز در کنار دیگر سیاست‌ها همراه بود، نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی، تثبیت هدفمند و موقت می‌تواند به عنوان «مسکنی» برای التیام شوک‌های ارزی عمل کند، هرچند این راهکار به‌تنهایی برای درمان ریشه‌ای کافی نیست. مقامات معمولا تثبیت نرخ ارز را موجب کاهش صادرات، افزایش واردات و منفی‌شدن تراز تجاری می‌دانند؛ اما در شرایط کنونی که کشور با محاصره دریایی و بسته‌شدن عملی مسیرهای تجاری مواجه است و امکان واردات و صادرات از طریق دریا بسیار محدود شده، این استدلال کارایی سابق را ندارد. همچنین بحث رقابت‌ناپذیری کالاهای وارداتی با تولید ملی نیز در فضای فعلی چندان موضوعیت ندارد. در حال حاضر، خطر تکرار جهش ارزی سال ۱۳۹۷ نسبت به دوره پیشین وجود ندارد؛ زیرا تجارت خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۸۸، ۹۸ و ۸۷ میلیارد دلار بوده، اما اکنون به دلیل محاصره دریایی، مقایسه با آن سال‌ها مناسب نیست. شاید مقایسه با سال ۱۳۷۴ برای ایران مناسب‌تر باشد؛ دوره‌ای که ثبات نسبی به کشور بازگشت و به عنوان «مسکنی» برای التیام بحران ارزی عمل کرد. تثبیت کوتاه‌مدت نرخ ارز (در بازه‌های چندماهه) همچنین می‌تواند با کاهش انگیزه‌های سفته‌بازانه، تقاضای نقدینگی برای نگهداری ارز را کاهش داده و بخشی از نقدینگی را به سمت تولید هدایت کند. با این حال، نباید فراموش کرد که تثبیت ارز در شرایط تورم بالا، کسری بودجه مزمن و کاهش شدید درآمد سرانه، یک مسکن است.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

سه آینده برای ایران پس از شش ماه جنگ

پاییز عدم قطعیت

امیراحمد شیشه‌گر

شش ماه پیش، مهم‌ترین پرسش این بود که جنگ چگونه پایان خواهد یافت. امروز شاید پرسش دقیق‌تری لازم باشد: اگر جنگ پایان نیابد، اما شکل آن تغییر کند چه؟ درگیری‌ای که با حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در ۲۸ فوریه آغاز شد، پس از شش ماه هنوز به یک نقطه پایانی روشن نرسیده است. تنگه هرمز همچنان با اختلال جدی در کشتیرانی روبه‌روست، فشار اقتصادی بر ایران افزایش یافته و در همان حال، تحرکات دیپلماتیک تازه‌ای از سوی کشورهای منطقه دیده می‌شود. قطر برای میانجیگری فعال شده و ایران و عمان نیز درباره ترتیبات موقت برای کشتیرانی در هرمز گفت‌وگو کرده‌اند. این وضعیت ممکن است مقدمه دوره‌ای باشد که نه بتوان آن را «جنگ» به معنای کلاسیک نامید و نه «صلح». دوره‌ای از بازدارندگی نظامی، فشار اقتصادی، مذاکره‌های مقطعی، برخوردهای محدود و انتظار دائمی برای حادثه بعدی. از منظر آینده‌پژوهی، مسئله اصلی این نیست که کدام طرف سرانجام پیروز خواهد شد یا مذاکرات چه زمانی آغاز می‌شود. پرسش مهم‌تر این است: ایران در پاییز پیش‌رو با چه آینده‌های متفاوتی ممکن است روبه‌رو شود و از کجا می‌توان فهمید که به سوی کدام‌یک از آنها حرکت می‌کنیم؟

آینده، یک مسیر ندارد

اشتباه رایج در شرایط بحران، تصور یک آینده واحد است. گویی مجموعه‌ای از داده‌ها را می‌توان کنار هم گذاشت و نتیجه گرفت که سه یا شش ماه دیگر حتما چه اتفاقی خواهد افتاد. آینده‌پژوهی از نقطه دیگری آغاز می‌کند. در شرایط «عدم‌قطعیت عمیق»، مسئله پیش‌بینی دقیق نیست؛ مسئله شناسایی چند آینده باورپذیر و آماده‌شدن برای هریک از آنهاست. در وضعیت کنونی ایران، دست‌کم دو عدم‌قطعیت تعیین‌کننده وجود دارد. نخست اینکه آیا تقابل خارجی به‌تدریج مهار می‌شود یا بار دیگر وارد چرخه تشدید خواهد شد. دوم اینکه اقتصاد و جامعه ایران تا چه اندازه توان جذب فشار طولانی‌مدت را خواهند داشت. از ترکیب این دو متغیر، دست‌کم سه آینده متفاوت برای ماه‌های پیش‌رو قابل تصور است.

سناریوی اول؛ دیپلماسی بدون صلح

در نخستین سناریو، هیچ توافق بزرگ و تاریخی‌ای اتفاق نمی‌افتد. در عوض، طرف‌ها به این نتیجه می‌رسند که هزینه ادامه رویارویی از منافع آن بیشتر شده و به سمت مجموعه‌ای از توافق‌های کوچک حرکت می‌کنند. نشانه‌هایی از امکان چنین مسیری اکنون وجود دارد. نخست‌وزیر قطر برای میانجیگری به تهران خواهد رفت و درباره چارچوبی مرحله‌ای شامل یک مسیر موقت کشتیرانی میان ایران و عمان و عملیات مشترک مین‌روبی در هرمز گفت‌وگو می‌شود. با این حال، هنوز توافق جامع یا حتی مذاکرات مستقیم تثبیت‌شده‌ای وجود ندارد. در این سناریو، پرونده‌ها یکی‌یکی و بدون حل اختلاف اصلی مدیریت می‌شوند: ابتدا کشتیرانی و امنیت خلیج فارس، سپس برخی مسائل اقتصادی و شاید در مراحل بعد موضوعات سیاسی و هسته‌ای. این وضعیت را نمی‌توان صلح نامید. بهتر است آن را «ثبات موقت در دل بی‌ثباتی» بدانیم. برای ایران، چنین مسیری می‌تواند یک پنجره تنفس ایجاد کند؛ اما خطر آن نیز روشن است: اگر کاهش موقت فشار با اصلاحات اقتصادی و بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده همراه نشود، فرصت به‌دست‌آمده صرفا وقفه‌ای تا بحران بعدی خواهد بود.

سناریوی دوم؛ فرسایش طولانی

دومین سناریو شاید کمتر دراماتیک، اما در بلندمدت مهم‌تر باشد: نه جنگ گسترده بازمی‌گردد و نه توافقی شکل می‌گیرد. ایران وارد دوره‌ای طولانی از «نه جنگ، نه صلح» می‌شود. در این وضعیت، موشک جای خود را تا حدی به تحریم، محدودیت مالی، فشار بر صادرات، نااطمینانی سرمایه‌گذاران و فرسایش تدریجی اقتصاد می‌دهد. آمریکا در روزهای اخیر مرحله تازه‌ای از فشار اقتصادی را آغاز کرده و هم‌زمان گزارش‌های رویترز از باقی‌ماندن اختلاف عمیق میان تهران و واشنگتن حکایت دارد.

خطر این سناریو دقیقا در آرام‌بودن ظاهری آن است. جنگ خسارت خود را آشکار و سریع نشان می‌دهد اما فرسایش اقتصادی آهسته‌تر عمل می‌کند. سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد، بنگاه‌ها افق برنامه‌ریزی کوتاه‌تری پیدا می‌کنند، زیرساخت‌ها فرسوده می‌شوند و خانوارها بخشی از توان تطبیق خود را مصرف می‌کنند.

ادامه در صفحه ۵

انا لله و انا الیه راجعون

خانواده ارجمند معزالدین

ضایعه دردناک درگذشت مهندس **محمد معزالدین** را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای روح بزرگوارشان رحمت و مغفرت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

عبدالله نوری، مرتضی الویری، عطاء الله مهاجرانی، حسین مرعشی
بیژن زنگنه، حسین فروزان، مجید خدابخش، محمد عطریانفر
کریم فروزان، سعید منصور افشار، جعفر آهنگران، علیرضا زنجانیان
محسن پوراحمدی، رسول رئیس‌جعفری، علیرضا موحدی
محسن امامی، ناصر ترکان، مهدی کرباسیان، احمد مسجدجامعی
سعید لیلاز، حسین نصیری، مرتضی مبلغ، مسعود خوانساری
محمدرضا واقفی، هادی شهسوارپور، محمدرضا شه بخش
عبدالرحیم کردی، میرعلی یاری، مصطفی فروزان